

متن پرسش

می گویند آیت الله بهجت نگاه برزخی داشت، درون افراد را می خواند، آقای بها الدینی طی الارض می کرد، برایش بلیط هواپیما گرفته بودند برود یزد منبر، با مدعوین نرفت گفت شما بروید، آنها با هواپیما رفتند تا اعلام کنند آقا نمی آید، اما آقا آنجا بود یک ساعت پیش از آنها رسیده بود و منبر رفته بود، در خانه ای که می خواستند در لانه مورچه سم بریزند جلو این کار را گرفت، دهانش را به سوراخ آنها نزدیک کرد و چیزی گفت و از آن روز به بعد دیگر مورچه ای در آن منزل دیده نشد! و ... رجبعلی خیاط و حسنعلی نخودکی و دکترناتاتی و... من البته بدلیل بی اطلاعی هیچ نظر و امکان تایید یا تکذیب این ادعاها را ندارم. شما هم حتما تاکنون از این حکایت ها بسیار شنیده اید. اما به هر حال با شنیدن این کرامات طبعا سوال هایی به ذهن می رسد که به مختصری از آنها اشاره می کنم: چرا خود این بزرگان در زمان حیات شان از این کرامات سخنی نمی گویند؟ و آن را مستند نمی کنند؟ چرا از این کرامات برای تبلیغ دین و شیعه استفاده نمی کنند؟ مثلا اگر آقای بهاءالدینی طی الارض می کرد و طبعا با این کار قوانین فیزیک را در می نوردید چرا این معجزه بزرگ را به نام خدا و دین خدا و شیعه مستند نکرد تا از یک سو به دانشمندان عالم و غرب بگوید ما هم از این علوم بی بهره نیستیم و شب زنده داری و ارتباط معنوی با ائمه و خدا می تواند این چنین عالم و قوانین حاکم بر آن را زیر رو کند! پس برای کشف رازهای عالم در فکر راه های رسیدن به سرعت مافوق نور نباشید و بیاید به جای فرمول های فیزیک و ریاضی، شب زنده داری کنید تا عالم کوانتوم بر شما مکشوف گردد و سریعتر از نور طی الارض کنید. چه تبلیغی برای خدا و دین خدا و شیعه مظلوم بالاتر از این؟ در نظر بگیرید که در آن صورت چه انقلابی در عالم دین و دینداری و علم پیش می آمد و فوج فوج جوانان به دین خدا می گرویدند و رهزنان ایمان جوانان و کفار باید ماست هایشان را کیسه می کردند! کسی که با حیوانات حرف می زند و زبانشان را می فهمد دست کم با این قدرت خارق العاده دین خدا را تبلیغ می کرد، شیعه را تبلیغ می کرد و حقانیت آن را بر سنی ها و سلفی ها ثابت می کرد! یا دردی از دردهای مادی یا معنوی انسان ها دوا می کرد، دارویی برای بیماری های لاعلاج معرفی می کرد، یا اصلا در جامعه امروز ما که دروغ مثل نقل و نبات فروان شده تا آنجا که اگر کسی راستی از کسی شنید ذوق زده می شود، این مشکلات اخلاقی و معنوی را التیام می بخشید! حیف این توانایی نیست که فقط برای جابجایی لانه مورچگان و نجات جان آنها مورد استفاده قرار گیرد؟ چرا آقای بهجت آنطور که می گویند که چشم برزخی داشت، فقط جوانان تارک صلوه و مشروب خوار را می دید؟ و با آن چشم تیزبین سیاستمداران دروغگویی که در مقام معاونت رییس جمهور و رییس ستاد مبارزه با مفاسد، به چپاول

بیت المال مشغول بودند را ندید؟ و از غارت بیت المال جلوگیری نکرد؟ مگر نه این که جمهوری اسلامی وصل به امام زمان (عج) است و این بزرگان نیز همچنین، پس چرا از این توانایی ها برای یاری رساندن به حکومتی که زمینه ساز ظهور است استفاده نمی کنند! امروزه اگر افرادی از این راه های قدیمی برای تبلیغ استفاده می کنند، لاجرم باید پاسخگوی سوالاتی که در مورد این ادعاها پیش می آید نیز پاسخگو باشند. چرا اگر دیگران مثلا در ارایش ادعاهای ارتباط با غیب را داشته باشند به عنوان عرفان کاذب دستگیر می شوند اما این ارتباط برای علمای ما قانونی است و مجاز است؟ چه کسی باید راست و دروغ را تشخیص دهد؟ و میزان چیست؟ این توانایی ها صرفا در اختیار روحانیون شیعه است؟ یا دیگران اعم از روحانی و یا غیر روحانی، شیعه و یا غیر شیعه، مسلمان و یا غیر مسلمان نیز ممکن است از چنین توانایی هایی بهرمنند باشند؟ به این مختصر بسنده می کنم البته سوالات از این دست زیاد است، ای کاش مدعیان پاسخ قانع کننده ای بدهند تا به محکم شدن پایه های ایمان منجر شود. جناب استاد در پاسخ به این شبهه چه باید گفت؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این نوع کرامات مثل طی الارض یک نوع سلوکی است که مربوط به روح تزکیه شدهی افراد است در طی مسیری که شریعت الهی در مقابل انسانها قرار داده است و لذا چیز جدایی از دین نیست که بخواهیم آن را مطرح کنیم. هر کس در مسیر شریعت الهی وارد شود، به این کمالات می رسد. از طرفی به حکم مسئولیت و در شرایط خاص، این کرامات انجام می گیرد. یا در مورد شناخت دروغ گو یکی از وظایف اولیاء الهی آن است که اسرار آن فرد فاش نشود زیرا چه بسیار انسان هایی که در یک مرحله ای خطایی کرده اند که اگر آن خطا فاش شود امکان تجدید نظر در شخصیت شان نسبت به قضاوت جامعه از آنها گرفته می شود. در ضمن این نوع کمالات نه منحصر به روحانیت است و نه منحصر به شیعه؛ هر کس راه رجوع به حق را طی کند از این گونه مددها به او می شود. عرفان حقیقی که رجوع به حضرت حق است با فریب کاری های عرفان کاذب که بیشتر بازی با احساسات مردم و توهمات آنهاست فرق دارد. هر فریب کاری باید در جامعه تعقیب شود چه فریب کاری به اسم عرفان و چه فریب کاری در امور اقتصادی. پیشنهاد می شود به عنوان مقدمه بعد از مطالعه کتاب «ده نکته در معرفت نفس»، کتاب «جایگاه جن و جادوگر و شیطان» را مطالعه فرمایید. هر دو کتاب بر روی سایت هست. موفق باشید